



## بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - 19 / آذر / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

دیدار برادران عزیز اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، همیشه برای من یک حادثه‌ی شیرین و مطلوب بوده است. حالا هم بخصوص با توجه به این که با آن جلسات مستمر هر هفته‌ی که ما با اغلب برادران داشتیم، فاصله‌ی زیادی شده، طبعاً شیرینتر و مطلوبتر است.

شاید در بین شوراها و هیأت‌های کاری و تخصصی - که در کشور ما زیاد هم هست - این شورای عالی خصوصیاتش دارد که خیلیها ندارند. اولاً، همه‌ی افراد برگزیده و انتخاب شده‌اند. ثانیاً، همه‌ی افرادی که در این شورا شرکت دارند، در کاری که این شورا متصدی و متکفل آن است، صاحب‌نظر و فرهنگی و دارای تخصصند و با دانش و فرهنگ و دانشگاه‌آشنایی دارند. ثالثاً، جزو شوراهایی است که در بحبوحه‌ی کارها و تلاش‌های گذشته، چند سال از عمر آن گذشته و کاملاً جا افتاده و پخته است و به مسایل پیرامون خودش کاملاً آشنایی دارد. به همین نسبت، انتظارات از این شورا زیاد است. نه این که من انتظار خاصی داشته باشم؛ بلکه کلاً نظام از یک مجموعه‌ی اهل فن برگزیده‌ی که به عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی، زیر این نام جمع شده‌اند، انتظارات زیادی دارد؛ بخصوص با توجه به این که بسیاری از مشکلاتی که به نظرمان می‌رسد در صحنه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و یا حتی سیاسی داریم، اگر کاوش کنیم، به مشکلات فرهنگی برمی‌گردد.

با این که نظام جمهوری اسلامی، از آغاز بر یک مبنای فرهنگی بنیان شد و رهبر و پدیدآورنده‌ی این نظام، یک عنصر بیش از همه چیز فرهنگی بود و مسؤولان این نظام هم در طول این مدت، تقریباً همیشه همین‌طور بوده‌اند، درعین حال باید اعتراف کنیم که در زمینه‌های فرهنگی، آن کار مطلوب و مورد انتظار را خیلی انجام نداده‌ایم. نه این که کس خاصی یا جمع خاصی مورد سؤال باشد. نه، مجموعاً در زمینه‌های فرهنگی، ما کم کاری داریم؛ حقا این را باید قبول کنیم. به همین خاطر است که طبعاً از یک مجموعه‌ی این‌طوری، همه خیلی انتظارات دارند و شاید بیش از همه، تلاش فرهنگی مورد انتظار است و همان‌طور که اسمش "شورای عالی انقلاب فرهنگی" است، انقلاب فرهنگی مورد انتظار است.

آیا فرهنگ جامعه، بر مبنای تفکر و روحیه‌ی انقلاب، آن تحول لازم را پیدا کرده است؟ اگر بگوییم بله، چنانچه کسی با ژرف‌نگری به مسأله نگاه کند، بعید است که این را از ما قبول نماید. البته خیلی تغییرات ایجاد شده؛ اما نمی‌شود ادعا کرد که تحول کامل فرهنگی انجام شده است. شاید انتظار هم نباشد که در طول ده، دوازده سال، تحول کامل فرهنگی انجام شود و مثلاً لازم باشد که در طول سی سال، چهل سال و یا پنجاه سال، این تحول انجام شود - حرفی نیست - اما حرکت باید به آن جهت باشد.

بلاشک، ما امروز را که نگاه می‌کنیم، باید مثل راهروی باشیم که وقتی در ساعت پنجم حرکت خودش نگاه می‌کند، باید از ساعت اول بیشتر رفته باشد؛ ساعت دهم، از ساعت پنجم باید بیشتر رفته باشد. اگر دیدید بیشتر نرفته، پس عیبی در کار است. ما باید روزبه‌روز به آن فرهنگ انقلابی در همه‌ی شؤون - هم در دانشگاه‌ها به‌طور اخص، هم در کل جامعه به‌طور اعم - نزدیکتر شده باشیم. اگر ببینیم این حادثه اتفاق نیفتاده، باید استنتاج بکنیم که کار و تلاش فرهنگی در جامعه‌ی انقلابی ما، به خوبی و کمال و سلامت انجام نگرفته است و نقایصی دارد، که آن نقایص را باید برطرف کنید. مثل همه‌ی مردم دیگری که وقتی نقصی در کارشان باشد، خودنگری و بازنگری می‌کنند، راه‌های جدید را جستجو می‌نمایند، عیوب را می‌فهمند و علاج می‌کنند، باید ببینیم مشکل چیست. باید عیوب را پیدا کنیم و آنها را درمان نماییم. باید راه جدیدی پیدا کنیم و اگر میان‌بر هست، بزنیم. چنانچه سرعت کم است، باید بیشترش کنیم.



يك نکته ي ديگر اين است که در شوراي عالي انقلاب فرهنگي، همان طور که جناب آقاي هاشمي فرمودند و در زماني هم که من در شورا بودم، عمده ي همت ما در اين شورا، به مسايل دانشگاهها صرف مي شد و حالا هم همان طور است. البته به نظر مي رسد که الان شايد يك مقدار بهتر از گذشته باشد. اين چند مورد ي که ايشان فرمودند، يا اين کارهايي که اخيرا تصويب و اعلام شده - مثل تشکيل فرهنگستانها - واقعا کارهاي خيلي خوبي بود و شايد يك مقدار بهتر از گذشته شده باشد. آن وقت هم ما مجموعه ي شورا که هميشه به خودمان مراجعه مي کرديم، به اين نقص اعتراف مي کرديم و مي گفتيم که ما از کارهاي وسيعي که در اين جا لازم است، غافل مي شويم و به مسايل دانشگاهها منحصر مي گرديم؛ در حالي که مسايل دانشگاهها، بلکه مسايل آموزشي - اعم از دانشگاهها و آموزش و پرورش - کار شوراي عالي آموزشي کشور است؛ کما اين که آموزش و پرورش خودش شورايي دارد. اين چيزي نيست که شخصيتهايي مثل حضار، بخصوص با حضور رؤساي محترم سه قوه و اين همه اشتغالاتي که مسؤولان و وزراي مختلف در کشور دارند، بخواهند فقط به آن بپردازند. چه بهتر که وقتي ما به جزئيات مسايل آموزشي نگاه مي کنيم، آن را از اين شورا خارج کنيم.

البته مسايل آموزشي بايد در حد سياستگذاريهاي کلي باشد و نگاه وسيعي به جامعه بشود و هم فرهنگ عمومي جامعه و هم مسايلي که مغفول عنه بوده - مثل همين کارهايي که اخيرا شوراي عالي کرده؛ تاسيس فرهنگستان علوم و فرهنگستان زبان فارسي و مسأله ي تحقيقات - مورد توجه قرار بگيرد. واقعا ما براي کار در زمينه ي فرهنگ عمومي، ميدان بازي داريم. اگر ما بخواهيم توسعه ي اقتصادي را به معنای صحيح کلمه در جامعه راه بيندازيم، احتياج به تلاش فرهنگي داريم. مادامي که حتي محقق و جستجوگر علمي ما، آن فرهنگ کار و وجدان کار و عشق به کار را، آن چنان که در يك فرهنگ سالم مطرح است - که مظهر عاليش هم فرهنگ اسلامي است - نداشته باشد، وجود اين محقق، بي فايده خواهد بود. گيريم که ما محققان بزرگي تربيت کرديم و مثلا آزمایشگاههاي مهمي هم در اختيارشان گذاشتيم؛ اين به يك کار شخصي تبديل خواهد شد. اين محققان بزرگي که ما در دنيا مي بينيم، اعم از آن کساني که در قرنها پيش، از ميان خود ما برخاستند - مثل ابن سيناها، خوارزميها، خيامها و ديگران - و چه آن کساني که در قرون اخير، از بين اروپاييها برخاستند - از قبيل همين دانشمندان بزرگ شيمي و طبيعي و فلکيات و غيره - وقتي به زندگي اينها نگاه مي کنيم، مي بينيم که حقيقتا خودشان را در زندگي فراموش کردند و زندگي شخصي و راحتی و پول و نفع براي خودشان را اصلا در درجه ي دوم قرار دادند؛ اقلا محور قرار ندادند، اگر نگوئيم فراموش کردند. بعضيشان واقعا آن موارد را فراموش کردند و به نفع تحقيق و علم و کار و پيشرفت، در فقر و مسکنت زندگي مي کردند. بعضي ديگر هم اقلا به تحقيق و علم و کار و پيشرفت اهميت دادند و زندگي شخصي را محور قرار ندادند؛ بلکه آن را در حاشيه گذاشتند. ما چگونه مي توانيم اين روحيه را در بين محققان کشور و يا در محيط کار اداري زنده کنيم؟ کار اداري، ارتباط مستقيم با توسعه ي اقتصادي دارد. اگر شما طرحهاي اقتصادي را به دست يك مجموعه ي ديوان سالاري غلط و معوج و عاري از وجدان کار و عاري از سواد و آگاهي از کيفيت کار بدهيد، آن را ضايع خواهد کرد و اين طرح را به ثمر نخواهد رساند. ما چگونه مي توانيم آگاهي و وجدان کار را در اين مجموعه ي اداري خودمان - که هيکل حجيم ديواني ما را تشکيل مي دهد - تزريق بکنيم؟ يا چگونه مي توانيم در زمينه ي توليد و ساخت و ايجاد محيطهاي کارگاري پرتلاش در کارخانجات، توصيه ي اسلام را که گفته: "رحم الله من عمل شيئا فاتقنه"، جامه ي عمل بپوشانيم و اتقان و سلامت کار و استحکام و سنگ تمام گذاشتن براي توليد را به کارگر تزريق کنيم، که وقتي اتومبيل ما از کارخانه بيرون مي آيد، بعد از يك ماه مثلا در آن لقلق نکنند، يا فلان پيچش باز نشود؛ در حالي که توليد فلان نقطه ي ديگر دنيا، اين طور نيست؟ يا چه کار کنيم که اين فرد از کار در نرود؛ در حالي که ديگران به کار شوق دارند و بيشر سعي مي کنند کار کنند؟ ما چگونه مي توانيم روح کار، جديت در کار، وجدان کار، پيگيري کار و



سلامت کار را در طرحهای توسعه‌ی اقتصادی خودمان در نظر بگیریم؛ بدون این که فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس، می‌بینید که به فرهنگ برگشت.

اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم، در توسعه‌ی اقتصادی هم خواهیم ماند. این، تازه در صورتی است که ما محور را توسعه‌ی اقتصادی بگیریم. البته در جامعه‌ی اسلامی، محور این نیست؛ توسعه‌ی اقتصادی وسیله است. به هر حال، از هر طرف که حرکت می‌کنیم، می‌بینیم که به فرهنگ می‌رسیم و راهها واقعا به فرهنگ ختم می‌شود. برای فرهنگ باید کار کرد.

به نظر می‌رسد که شورای عالی انقلاب فرهنگی، یک نقیصه دارد و آن، این است که کار اصلی اکثر اعضای آن، این نیست. البته بحمدالله همه‌ی شما آقایان، شاید بدون هیچ استثنایی، اهل فن و اهل فرهنگ و اهل کار هستید و در بین شما جماعتی هم هستند - اگرچه خیلی کم - که بیشتر کارشان، یا یکی از مهمترین کارهایشان، این کار است. برای بعضیها - مثل مسؤولان اجرایی کشور، یا وزرا و یا بعضی از آقایان دیگر - این کار واقعا در حاشیه است و کار اصلیشان نیست؛ اما بعضی از آقایان هم هستند که یکی از کارهای اصلیشان این است. حالا آن کس که تنها کار اصلیش این باشد، من الان در بین جمع آقایان، چنین کسی را نمی‌بینم، شاید هم در یادم نباشد. پس، از این جهت یک نقیصه وجود دارد. شماها برای این کار لازمید. گفت:

جز به خردمند مفرما عمل

گرچه عمل کار خردمند نیست

خردمند بایستی عمل را به راه بیندازد. شما به بازوهای زیادی احتیاج دارید. یادم می‌آید که در آن وقت، دو کمیسیون بود؛ کمیسیون شماره‌ی یک و کمیسیون شماره‌ی دو، و بعد هم یک کمیسیون مشترک وجود داشت. البته باز وقتی که به آن کمیسیونها می‌رویم، مجموعه‌ی از وزرا و معاونان وزرا را می‌بینیم. شاید لازم باشد که این شورا در حاشیه‌ی خودش، از صاحب نظرانی که دارای شخصیت فرهنگی و انقلابی هستند، استفاده کند و این دو را با هم و در کنار یکدیگر داشته باشید.

این جا، آن جایی است که نمی‌شود شوخی کرد. این جا اگر حاشیه‌ی انقلابی‌گریش، یک ذره ساییده بود و خراش داشت، در عمل این زاویه باز خواهد شد و مشکلات بزرگی را به وجود خواهد آورد. حتما باید عنصر فرهنگی باشد و حتما هم باید انقلابی باشد. این جا، از آن جاهایی است که جز به این نمی‌شود رضایت داد. از این گونه افراد دعوت کنید، تا در حواشی این شورا، به کارهای اساسی و مهمی که دارید، برسند.

این مزده‌ی فرهنگ عمومی که جناب آقای هاشمی فرمودند، واقعا برای من مزده است. البته جناب آقای خاتمی، شورای فرهنگ عمومی را از مدتها پیش راه انداخته‌اند و جلساتش هم بود و کارهایی هم کرده‌اند. معلوم می‌شود که در آن، تحوли ایجاد شده است. از این بیان، من فهمیدم که تحوли در آن انجام می‌گیرد، یا مثلا اساسنامه‌اش به شکل بهتری تنظیم می‌شود. خیال می‌کنم که ان شاءالله کارها رو به هرچه بهتر شدن است؛ بخصوص که حضور جناب آقای هاشمی هم برای این شورا مغتنم است.

البته ایشان شکسته نفسی می‌کنند؛ اما واقعا این طور است. همان وقتها هم من همیشه به رفقا می‌گفتم که اگر آقای هاشمی یک بار در جلسه‌ی ما شرکت می‌کنند، ما در آن جلسه یک عالم پیشرفت می‌کنیم. واقعا آن وقت این طور بود. ایشان، آن وقتها به این شورا خیلی کم لطف بودند؛ ولی من حالا گاهی هم که می‌بینم ایشان بحمدالله مجبورند که هر هفته شرکت کنند، خیلی خوشحال می‌شوم که بالاخره هیچ چاره‌ی جز این ندارند! آن وقت، این طور نبود. گاهی مثلا شش ماه می‌شد که ایشان اصلا هیچ یادی هم از شورا نمی‌کردند! امروز این طور نیست و حضور ایشان واقعا یک برکت است. من هر وقت این نکته یادم می‌آید، خیلی خوشحال می‌شوم. آقایانی که در آن وقت



تشریف داشتند، لابد یادشان است که مکرر می‌گفتم وقتی ایشان شرکت می‌کنند، جلسه حرکتی پیدا می‌کند و یک قدم به جلو برمی‌دارد. واقعا ایشان در جلسه خیلی مؤثر بودند، حالا هم که بحمدالله مرتب شرکت می‌کنند. امیدواریم که خداوند به بقیه‌ی آقایان هم - که وجودشان در این جلسات واقعا خیلی مغتنم است - کمک کند، تا بتوانید این بار بسیار سنگین را ان شاءالله به سهولت و سبکی بردارید و پیش ببرید. ما قبلا خیال می‌کردیم که شورای انقلاب فرهنگی، لابد چند سالی ادامه پیدا می‌کند و بعد وجودش شاید دیگر لازم نباشد؛ اما هرچه می‌گذرد، می‌بینیم که این شورا اصلا وجودش واجبتر و لازمتر می‌شود؛ زیرا مسایل فرهنگی، اهمیت بیشتری برای ما پیدا می‌کند. خیلی از مسایل دیگری در زمینه‌های فرهنگی هست که دیگر وقت آقایان را نمی‌گیرم. ان شاءالله که موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته